

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

س.رها
۲۴ جولای ۲۰۱۳

وقتی یک جهادی بر روی جهادیان دیگر ، پنجال می افگند

"روزی از روزها، بعد از این که بین دونفر دزد برسر تقسیم غنائم، مشاجره رخ داد، یکی از آنها به دیگری اخطار داد که رفته و به همه می گویم که تو آن اموال را دزدیدی، دیگرش قهقهه خنده کرد و گفت مگر خودت را به گور قائم می کنی که دزدی شراکتی را تن ها به پای من ثبت می کنی؟ در غیر آن، هردوی ما یکی هستیم"

امروز دوشنبه تاریخ ۲۲/۰۷/۲۰۱۳ مطابق ۳۱ سرطان ۱۳۹۲ «مجتبی پتنگ» وزیر داخله دولت پوشالی، از جانب پارلمان، «سلب رأی اعتماد» شد.



بعد از این که، چند بار، پارلمان مافیائی شده و مملو از جنایت سالاران، وزیر داخله دولت مستعمره را استیضاح واستجواب کرد ولی «مجتبی پتنگ» وزیر داخله از حضور در جلسه، سر باز زده و به فکر آرام مشغول قلاچاق و دزدی شد، بالاخره، در تاریخ ۳۱ سرطان ۱۳۹۲ در مجلس حضور پیدا کرده و بعد از رد و بدل نمودن چند کلمه مافیائی ، در برابر اعضای «خوكدانی» که اتفاقاً به مذاق همدیگر شان خوش نخورده بود، پارلمان قلاچاق بران، از به اصطلاح وزیر داخله، «سلب رأی اعتماد» نموده و او را به زعم خودها از وزارت، سلب صلاحیت کردند.

این یک امر طبیعی و از خصلت عمومی در بین جنایتکاران می باشد که هر وقت، کسی در سر راه منافع شان قرار گرفت- ولو شریک، همدست و نزدیک ترین کس شان باشد- از استفاده کردن از هیچ سلاحی دریغ نمی کنند تا موانع ایجاد شده بر سر راه منافع خود را بردارند. امروز دقیقاً در بین پارلمان مافیائی و وزیر داخله دزد و قلاچاقچی، همین موضوع پیش آمده که یکی مانع ساخت و پاخت دیگری شده است و علی رغم تمام شراکت ها در جنایات، مافیائی گری و خیانت ها و سر دریک آخور داشتن و از یک سوراخ «گوز» زدن، حاضر شده است تا بر روی یک دیگر چنگال بزند و طرف را متهم در قلاچاق مواد مخدر، غصب زمین، جاسوسی برای استخبارات کشورهای گوناگون و غیره ردالت ها، کند. این که پارلمان مملو از سگان هار و یا وزیر داخله، از چه حیثیت و اعتبار برخوردار است، همه به خوبی می دانند

ولی جالب این جاست که " کور، کر را به ناقص بودن، متهم می کند" و در این باره خوبست اظهارات «مجتبی پتنگ» را که شب گذشته در تلویزیون جنایات سالار پسند «شمشاد» داشت، بشنویم.

«مجتبی پتنگ» از اول خراب می کند:

"من از آن کسانی نیستم که به زور پول یا واسطه به این سمت گمارده شده باشم" شوخی که نمی کنید آقای «پتنگ»؟

گپ بین خود ما باشد، جدا از این که خودت یک «جاسوس»، جهادی، قاچاق بر، غاصب، مختلس و دزد هستی، بگو دیگر کدام فاکت ها در رسیدنت به وزارت داخله، یاری رسانید؟

در کشوری که از یک مأمور دولتش گرفته تا رئیس جمهورش، دزد، مزدور، جاسوس، جنایت سالار و قاچاق بر باشد، به زور واسطه و گذشته جاسوسی برای کشورهای مختلف و به تناسب هر چه جنایت و مزدوری زیادتر، به چوکی بالاتر نصب شود و به جای مدرک تحصیلی کفایت که کارت جاسوسی «آی.اس.آی» و «سی.آی.ای» را داشته باشد، چطور امکان دارد که از بین تمام آنها فقط یک وزیر داخله و آنهم خود جناب عالی «مجتبی پتنگ» بر اساس لیاقت و صداقتش آمده باشد؟ آیا حین گفتن این مطلب، فکر نکردید که در یک مجلس فکاهیات ننشسته اید؟ با آن هم به یک خنده می ارزد این فکاهی تان!

«مجتبی پتنگ» از جنایات، ساخت و پاخت ها، اختلاس و دیگر خیانت های جهادیان «خوكدانی» یاد می کند ولی او نمی گوید که خودش در کدام کار مهارت زیاد دارد، در فروش اسلحه به پاکستان؟ جاسوسی به «آی.اس.آی»؟ تجارت مواد مخدر به جرمنی؟ غصب زمین در «شیر پور»؟ نصب کاکا و ماما در چوکی های وزارت داخله؟ یا کشیدن تمام امکانات وزارت داخله به جرمنی و دبی؟

کسی که در کابینه مافیائی شده و مهره چین شده از طرف «امریکا»، و آن هم در چوکنی مثل وزارت داخله، نصب باشد، طبق قانون جنگل و قرون وسطائی، دارای یکی از این صفات نباشد، آیا امکان دارد که او حتا یک روز در آن جا گذرانده و تکیه زدن بر آن چوکی را ننگ و معادل فروش وجدان و شرف خود نداند؟

تو آقای «پتنگ»! نه تنها که آن را ننگ ندانستی بلکه با دهن و دندان به آن چسبیده بودی ولی خدایت یاری نکرد که اندک چیزی باقی مانده را نیز به دبی انتقال داده و یک جا با «فامیل شریف» در آنجا کیفیت را می کردی، امروز کسی که تمام عمر ننگین گذشته اش را به جنایت و خیانت گذرانده باشد، آیا فقط با خطاب کردن «مافیا پیشه» و «جنایت سالار» به دیگران- دوستان همکارش- می تواند، آن همه ننگ جاسوسی، قتل، و دزدی را از پیشانی خود دور کرده و خود را همچون «طفل مادر زاد» بی گناه ثابت کند؟

«مجتبی پتنگ» می گوید:

"وزیر داخله من هستم ولی نماینده های پارلمان به خواست خودشان، هرکی را خواسته برایش پاسپورت، ویزا و هم چنان رتبه جنرالی داده است، ۱۳۵ نفر بی سواد از طرف همین وکلای پارلمان، به جنرالی رسیدند و ادعای شغل دارند، در اینصورت من مجبورم تا به همان تعداد جنرالان واقعی را از وظیفه خلع کنم تا افراد و خویشاوندان و کلاء در جای آنها به کار مشغول شوند"

راستی آقای «پتنگ» به فرض این که تمام این ها بدون اجازه شما انجام یافته باشند و شما در آنها دخیل نباشید، این چه افتخار و سود برای تیرنه شما خواهد داشت؟ خلاف آن، فکر نمی کنید که این خود یک سند روشن برای ساخت و پاخت های شما باشد؟

اول: در زمان هائی که این همه کارها اجراء شده است و بدون اجازه شما، شما آنوقت کجا بودید؟

آیا با «فامیل شریف» تان «ماه غسل» رفته بودید؟ با کاروان مافیائی وقاجاق بری تان، به جرمنی ودبی تشریف برده بودید؟ که در اینصورت آیا شما یک وزیر داخله برای افغانستان بودید یا وظیفه داشتید تا از جاهای دیدنی دنیا نظارت به عمل آورید؟ آیا پشت «مبل» نرم وزارت خواب تان برده بود؟ چرا نمی گوئید که آن روز، منافع ایجاب می کرد تا «همه باهم» در این جنایات وزدوبند ها، تشریک مساعی می کردیم ولی امروز که "گپ از دیگه قرار است" و منافع "شاخ به شاخ" شده اند، باید نان به نرخ روز خورد.

دوم: در صورتی که خودتان اعتراف می کنید که این کارها بدون اجازه شما صورت گرفته اند و آنهم از بدو رسیدن تان به چوکی وزارت تا امروز، قبل از این کجا بودید که این افشاءگری هارا می کردید؟ مگر زبان تان لال شده بود یا بردهن تان چسپ زده بود؟ چرا نمی گوئید: زیرا در تمام آنها خودم شریک می باشم.

"به تعداد هفتاد و دونفر از وکلای پارلمان در غصب زمین، مافیایگری مواد مخدر و اختلاس، دست دارند" راستی؟ پس چرا نام های شان را ذکر نمی کنی؟ آیا فقط امروز براین امر آگاهی پیدا کردی؟ از چه طریق وچطور براین مهم واقف شدی؟ آیا خودت خو شریک شان نیستی؟ پس تاکنون کجا بودی؟

"من سند دارم که مواد مخدر از افغانستان تا نایجریا، قاجاق می شود ولی افشاء نمی کنم" بین خود ما باشد، آیا قاجاق برش، خودت خونبستی؟ پس چرا افشاء نمی کنی؟ یا ترس از این داری که "به امید آرایش ایرو، چشم را کور کنی" و به دنبال آن، افشاء گری های بس خطرناک تر و مهم تر، متوجه خودت شود؟ در غیر آن، هیچ دلیلی ندارد که می گوئی: "افشاء نمی کنم"

آقای «پتنگ» پس از "خم وچم" های زیادی، می گوید:

"برای من مهم نیست که حتماً در وزارت باقی بمانم ولی در هرصورت درکنار مردم خود خواهد بودم" وای به حال ملتی که دزد، جنایت کار و مافیائی مثل «پتنگ» در کنارشان باشد. پس در آن صورت فاتحه "مردم" را باید خواند.

به فرض این که برای شما، چوکی وزارت مهم نباشد، پس چرا امروز بعد از این که، این تب ولرز افتادن از چوکی وزارت براندام تان مستولی شده، دست به این پرچانگی می زنید؟

آیا فقط امروز قادر به دیدن ملت شدید و تصمیم گرفتید که "درکنار شان باشید"؟

نه آقای «پتنگ»! اگر شما امروز به این آگاهی رسیدید- که غیرممکن است و ترس از دست دادن چوکی، شمارا به دست و پا زدن ها انداخته است- ولی "مردم" از دیر زمان شما را شناخته و شعاع می دهند که: "کرزی، پتنگ، سیاف، خلیلی، عبدالله، و جمله قاجاق بران مواد مخدر در «خوگ دانی»، دست نشانندگان «امریکا»، و جاسوس «پاکستان»، «ایران»، «روسیه» و دیگر کشورها، همه از یک جنس هستید و هیچ فرق ماهوی بین شما وجود ندارد"

و امروز اگر شما از چوکی وزارت داخله برطرف شوید، فردا به چوکی وزارت خارجه نصب می شوید و این تغییر مهره و سمت درماهیت شما، تغییر نمی آورد.